

## دلایل اوج گیری اعتراضات اخیر دانشجویان در آلمان



سال گذشته در تاریخ « 11.07.2003 » به مناسبت سالروز قیام دانشجویی 18 تیر، جمعی از دانشجویان شهر برلین به همراه پناهندگان ایرانی مقابل سفارتخانه جمهوری اسلامی در برلین دست به یک تجمع اعتراضی زدند. یکی از سخنرانها که استاد دانشگاه بود، با تأکید گفت که دانشجویان آلمانی باید از دانشجویان ایرانی که در شرایط سرکوب و دیکتاتوری اینچنین فعال هستند، بیاموزند و از حقوق خود دفاع کنند. چند ماه بعد از آن روز شاهد اوج گیری جنبش دانشجویی آلمان بودیم.

خروج آموزش، مسکن، بهداشت و خدمات شهری از حوضه تصمیم گیری دولت و سپرده شدن این عرصه ها در همه جوامع سرمایه داری به سلطه مطلقه بازار به معنای فروریزی دولت رفاه، هرچه محدودتر شدن حق انتخاب شهروندان در عرصه های عمومی جامعه و هرچه کم رنگتر شدن آزادیهای دموکراتیک و برابری حقوقی است.

دولت آلمان که چاره مشکلات اقتصادی اش را در فشار آوردن بر مردم و محدود کردن خدمات اجتماعی می بیند و در همین راستا طرح تقلیل خدمات آموزشی را در پیش گرفته است از نمونه های بارز این مسئله است. این دولت با احزاب مؤتلف سوسیال دموکرات و سبز حاکمش و بخصوص ناسیونالیستهای اپوزیسیونش، در سدد حذف سیستم تأمینهای اجتماعی ای است که دستاورد مبارزه کارگران، زنان، دانشجویان، مدافعین محیط زیست، ضدفاشیستها و دیگر جنبشهای پیشرو اجتماعی می باشد. دولت می خواهد برای حل مشکل بیکاری، سقوط رشد اقتصادی، فرار سرمایه از کشور، بازگرداندن بدهیها و دیگر معضلاتی که سرمایه دارای آلمان با آنها دست به گریبان است، فشار را بر گرده انسانهای بی دفاع و از قدرت رانده شده بیندازد. جالب اینجاست که "شرودر" صدراعظم سوسیال دموکرات آلمان که در پوستره های تبلیغاتی ریاست جمهوری با لباس کارگری بر تن و پرچم سرخ در دست ظاهر می شد، سال گذشته در پارلمان با دستان نازنین خود "Agenda 2010" را تقدیم کرد. این برنامه اصلاحاتی ای است که با هماهنگی با "بانک جهانی" و "سازمان تجارت جهانی" همسو با سیاستهای "جهانی سازی سرمایه" تنظیم شده است و هدف نهایی آن خروج کامل اقتصاد از حوضه تصمیم گیری دولت می باشد. برای به اجرا درآوردن "Agenda 2010" خصوصی سازی کلیه تولیدات و امکانات اجتماعی الزامی است. تغییر در قوانین کار، حقوق بیکاری، حقوق بازنشستگی، بهداشت، مالیات دهی، پناهندگی و مهاجرت، آموزش و بسیاری تغییرات دیگر هم اکنون یا در دست اجرا می باشند و یا در پارلمان مطرح هستند. بر هر انسان آگاهی واضح است که این تغییرات در نهایت به کالا شدن تمامی آنچه که از هستی اجتماعی انسان بر جای مانده است می انجامد.

در زمینه آموزش که به موضوع این نوشته مربوط است، محدودیتها و یا به بیان بهتر ممنوعیتهایی که برای محصلین و دانشجویان در نظر گرفته شده، منجر به اعتصاب، تظاهرات، اشغال دفاتر اداری و دیگر حرکتیهای اعتراضی گشته است.



من اینجا نمونه وار به مهمترین موارد طرح تقلیل خدمات آموزشی اشاره می کنم :

\_ شهریه های بالا و متفاوتی را برای دانشجویان در نظر گرفته اند. در حال حاضر هزینه زندگی دانشجویان یا از طریق خانواده هایشان تأمین می شود و یا از طریق کمک هزینه تحصیلی ای که به بعضی از دانشجویان تعلق می گیرد. عده کثیری که نه خانواده هایشان هزینه هایشان را متقبل می شوند و نه کمک هزینه تحصیلی دریافت می کنند، مجبور به انجام کارهای موقتی و کم درآمد در کنار تحصیل میشوند. همانطور که در سال جاری در اتریش طرح مشابهی ای به اجرا درآمده و باعث محروم شدن 16% از دانشجویان این کشور از ادامه تحصیل شده است\*، درصد بالایی از دانشجویان آلمانی هم اگر مجبور به پرداخت شهریه شوند ، دیگر قادر به تحصیل نخواهند بود .

\_ کاهش ظرفیت دانشگاهها تا سر حد ممکن یکی از اهداف این طرح می باشد. مثلاً برای دانشگاه شهر لایپزیگ که اکنون پذیرای 30000 دانشجو است، ظرفیتی برابر با 18000 نفر را در نظر گرفته اند ، یعنی در هر صورت 12000 نفر را به حساب نیاورده اند و یا بهتر است که بگویم 12000 نفر را می خواهند از این دانشگاه اخراج کنند .

\_ نقشه ی دیگری که برای دانشجویان کشیده اند ، حذف برخی از رشته های دانشگاهی است. طرح تقلیل خدمات آموزشی از منطقی پیروی می کند که انسانها را ابزاری برای تولید سود فرض می کند. مطمئناً رشته هایی که حذف خواهند شد در زمینه هنر، فرهنگ، ادبیات، جامعه شناسی و رشته هایی از این دست خواهند بود که در محاسبات عالیجنابان ضروری نبوده و در نتیجه هزینه بردار و اصراف محسوب می شوند.

\_ برنامه ای موسوم به " Bologna " به اجرا در خواهد آمد که مطابق آن دانشجویان برخی از رشته های دانشگاهی که در حال حاضر بازار کار احتیاج به متخصصین آنها دارد ( مانند مهندسی اقتصاد ، مهندسی راه و ساختمان ، اینفرماتیک و شیمی ) را طی شش ترم یعنی حداقل سه سال خواهند خواند و مدرک " Bachelor of Science " را دریافت خواهند کرد . این مدرک در همه کشورهای عضو اتحادیه اروپا معتبر است ، بنابراین شانس دارندگان آن را برای یافتن کار بالا می برد ( اما این امر موقتی است چونکه ظرفیت کار در این رشته ها نیز بسیار محدود و رو به کاهش می باشد و به هیچ وجه پاسخگوی میلیونها بیکار نیست ) . دارندگان مدرک نامبرده در صورت تمایل به ادامه تحصیل مدرک " Master of Science " را پس از گذراندن چهار ترم دیگر کسب خواهند کرد . این دوره تخصصی تر می باشد .

دانشجویان تا کنون رشته هایی را که شامل برنامه " Bologna " میباشد را تا سطح " Diplom " و " Magister " میخواندند . طبق گزارش " نظام - اطلاعات " مدرسه عالی هانوفر\*\* 42% از دانشجویان آلمان تحصیل را به پایان نرسانده رها میکنند . طبق تحقیقات مرکز نامبرده دلایل این امر اکثراً فقدان انگیزه لازم و نامطلوب بودن شرایط تحصیل می باشد. با اینحال با تردید می توان گفت که یک دانشجو قبلاً از این حق برخوردار بوده است که یک رشته دانشگاهی (که احتمالاً بنابر علاقه خود آن را برگزیده) را با کاوش علمی و تحلیلی بیاموزد ، اما حالا چه ؟

برنامه " Bologna " دانشجو را تحریک میکند که رشته ای را انتخاب کند که از نظر زمانی کوتاهتر و از نظر علمی در سطح بسیار نازل تری می باشد و نیز با مدرکی که در پایان تحصیل کسب خواهد کرد شانس

بیشتری در پیدا کردن کار خواهد داشت. نتیجه عملی این برنامه حذف تدریجی بسیاری از رشته ها و همچنین دوره های علمی و بنابراین پایین آمدن سطح علمی دانشگاه ها و از پیش تعیین شدن رشته ها و مواد درسی (که از دید اقتصادی بهره ورتر می باشند) برای دانشجویان است .

اما رؤسای عزیز به فکر رشد تکنولوژی نیز هستند :

در ژانویه 2004 هیئت مدیره "حزب سوسیال دموکرات آلمان" نشست غیر علنی ای را با حضور صدراعظم (گرهارد شرودر دیگر در حزب نیست)، دبیر کل حزب، رئیس فراکسیون آموزش و وزیر آموزش در شهر وایمار برگزار کرد. بعد از نشست، شرودر اعلام کرد که تصمیم به ایجاد "دانشگاههای برگزیدگان" به مثابه پروژه ابداعی و قطعی Agenda 2010 دارند. ولی دانشگاه برگزیدگان\*\*\* دیگر چه صیغه ای است ؟ چگونگی آن کاملاً مشخص نیست ولی به احتمال زیاد ساخت آن از روی نمونه ایالات متحده می باشد و منظور دانشگاهی است که از شرایط ورود به آن پرداخت شهریه بالاتر از دانشگاههای عادی و یا داشتن نمره های بالا می باشد و در عوض یک سری از رشته های معین را تا مدارج بالا و در سطح عالی و پژوهشی خواهند خواند. جالب است که آدم را یاد عصر روشنگری می اندازد که فقط اشراف و اعیان از حق تحصیل علم برخوردار بوده اند، با این تفاوت که آنان پی دانش بودند و اینان پی راز بقا و رشد ماشین اقتصاد!!

به جز مواردی که برشمردم می توان ، بالاتر بودن مقدار شهریه های در نظر گرفته شده برای دانشجویان خارجی، بستن بسیاری از دبیرستانها و کتابخانه های محلات، پولی کردن استفاده از اینترنت در آموزشگاه ها و غیره را افزود.

### محصولات چنین نظام آموزشی ای چه کسانی هستند؟

یک سرباز در جنگ می پذیرد که باید بدرد و از دریدن لذت ببرد وگرنه دریده خواهد شد و این یک اصل مسلط در جامعه معاصر است، اصل رقابت. یک محصل ناچار بخاطر ارتقای موقعیت تحصیلی خود باید بپذیرد که نمراتش بالاتر از همکلاسیهایش باشد. او در این رابطه به انسانی منزوی و عقده ای تبدیل خواهد شد که از احساس همیاری، مشارکت، همسازی با دیگران بی بهره است، دنده ای از چرخ یک ماشین که از خود اراده و هویتی ندارد .

هنگامی که جامعه بر محور تولید سود باشد و نه رشد و تکامل جامعه و حمایت از انسان، طبیعی است که نیازهای بازار بر نیازهای انسان ترجیح داده شود. برای نمونه وقتی که بازار احتیاج به متخصصین کامپیوتر داشته باشد و نه آهنگ ساز، کسانی که علاقه مند به یادگیری هنر موسیقی هستند می توانند (!) پول بدهند و در موسسات خصوصی و غیردانشگاهی موسیقی یاد بگیرند و کسانی هم که نمی توانند پول بدهند می توانند بروند کشکششان را بسابند!!

تهدیدی که آینده محصلین ودانشجویان را در معرض خطر قرار داده، جنبش مقاومت دانشجویی را به وجود آورده است. حرکتی انجام گرفته توسط دانشجویان اگرچه بازتابی داشته است، اما چونکه هنوز اکثر دانشجویان به پیامدهای اصلاحات حکومت واقف نیستند و منفعل مانده اند و همچنین به خاطر اینکه به جز عده معدودی معترضین آنچنان که لازم است پی گیر و رادیکال نیستند، نتوانسته اند مانع اصلاحات شوند.

جنبش نوین دانشجویی در چندین کشور اروپایی همگام با حرکتیهای ضد تخریب رفاهیات عمومی و همانند جنبشهای صلح و بدیل جهانی سازی، علیه سیاستهای نئولیبرالیستی می باشد و با در نظر گرفتن اینکه این جنبشها رو به گسترش می باشند ، من مطمئن هستم که جنبش دانشجویی نیز گسترده تر و رادیکالتر خواهد شد .

\* اطلاعات و آمار درج شده از نشریات دانشجویی شهر لایپزیک می باشند  
\*\* Hannoverischer Hochschul-Information-System  
\*\*\* Elite-Universitäten

از : عادل اللهمردی